

جواب سائل حضرت  
ابوالفضل ائمه  
بمقتضی علم تمام اجزاء  
فانما جوابه

جواب

حَسْبُنَا الْقُرْآنُ عَلَيْنَا اللَّهُ  
 حَسْبُنَا اللَّهُ وَهُوَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پس از ادای حمد و ثنا در ساحت کبریا و عرض شکر و سپاس در محضر  
 اقدس سلطان ملکوت سما لمحتلی بطراز لعبودیة فی عالم الانشا  
 بیدرب الارض و السما خدمت زائر آستان مبارک جناب آقا  
 سید سیدالکلید ایدة اللہ تعالی علی بایفہ عزہ و کرامتہ و وفقہ  
 علی بابہ از تقاؤہ و سعادتہ عرض میشود که در خصوص حدیث شریف حضرت  
 صادق علیه السلام که در کتاب مستطاب یقان عززول یافته است  
 و عین حدیث این است الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَجَمَعَ مَا  
 جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ وَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ  
 غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ فَأَمَمْنَا أَخْرَجَ الْحَمْسَةَ وَالْعِشْرِينَ  
 حَرْفًا يَعْنِي عِلْمَ بَيْتِ وَهْفَتِ حَرْفَاتِ بِنِ جَمِيعِ اِخْتِصَارِ a

تا امر از غیر این و حرف این چون قلم با قیام مسجود  
 بیست و پنج حرف یکم را ظاهر نماید و بیست و شش  
 این خلاصه ترجمه کلام امام علیه السلام است و فرمودید که جناب  
 نایب رضا فلان ایدة اللہ تعالی علی خدمتہ کرمه فی ظل لؤلؤ  
 عمیقہ بنو ہش استند کہ آنجناب از محضر قدس حضرت مولی الوردین  
 ارواح المقربین کہ اخذ تفسیر حدیث شریف ارجا نماید و بی  
 شما اشغال شاغله و اعمال شیط حضرت مولی العالین برای لعین  
 ملاحظه نموده اید تجا سر بفرش نموده و از این عبد ضعیف تفسیر حدیث  
 شریف اخذ فرموده اید اگر چه این عبد را نیز امرض عید علا و از  
 حاضر نمودن کتب لازمہ حدیثیہ یافت که از عمد و شرح تفسیر  
 حدیث مبارک کما یفنی براید مع ذلک اما آنجناب اطاعت نمایند  
 و تفسیر حدیث اعلی سبل الاختصار معروض میدار و بالجمله مقصود  
 امام علیه السلام از این عبارات بیان عظمت یوم خیرت از ایام ملکوت  
 ماضیه من جمیع انجہات و چون اعظم استبارتی نم علوم و معارف  
 آنحضرت و عتبارہ علم را میزان اثبات عظمت یوم ظهور قلم موعود  
 مقرر فرمود و بیان بیان لطیف اهل فواد را مستبشر نمود کہ انوار شمس حقیقت  
 در آن روز فروزیت پنج درجه از ایام گذشته بیشتر آفاضه شود و مضاف  
 رحمت از سما عنایت از ایام پیغمبران سابق افزون تر نازل گردد.

چنانکه اگر اهل عیش و بصارت در آثار این ظهور عظم و آثار ظهور است  
 با ضمه منصفانه نظر نمایند بر عظمت ظهور مبارک و صدق حدیث شریف  
 شهادت دهند و شکر و سپاس الهی در روزی موعود قیام کنند.  
 و این معنی در احادیث کثیره از امامه بدی علیهم طیب التحیه و البها وارد شده  
 است و لکن هجوم مرض مزمنه متعده و لزوم اطاعت امر اقدس امام  
 رد اعتراضات نفوس غافله اکنون مانع از ضبط کلام است در این مقام  
 گوئی غنایات محیطه بدایه حضرت مولی لوری عبدالبها و بسامان فی  
 ملکوت لائش مساعد فرماید

این سخن ترجمه سپناوری گفته آید در مقام دیگری  
 و از جمله احادیثی که بر این معنی حدیث دیگر است که نیز در کتاب تالیف  
 نقل از کتاب العلوم تالیف شیخ عبدالعبد بن نور الله بحرینی غر زول  
 یافته است که امام علیه السلام فرمود لکل علم سبعون و بیست و ثمانین  
 بین الناس الا واحد و اذا قام القائم بآل البيت الوجوه  
 بین الناس یعنی هر علمی را هفتاد و دو وجه است و بین الناس نیت جز یک  
 وجه آن و چون قائم قیام فرماید باقی وجوه آن در میان مردم شرد  
 و بگسترده و همگی از جمله احادیثی که بر این معنی این حدیث شریف است  
 که در باب سیر و احوال حضرت موعود از جمله غیبت بجا را لاوار و از شده  
 است که همان از حضرت ابی جعفر علیه السلام روایت نموده است که آنحضرت

فرمود کانی بدینکم هذا الایزال مولیا یفحص بدعته ثم  
 لا یرده علیکم الا رجل منا اهل البیت فیعضکم  
 فی السنه عطاءین و یرزقکم فی الشهر ذنقین و یوتون  
 الحکمه فی زمانه حتی ان المرأه لا تقضی فی بنها بکتاب الله  
 و استنید رسول الله . اگر چه در هر سخن این حدیث شریف بحرینی از  
 علم مکنون است که کشف نمودن بوقت و فرصت است ولی خلاصه ترجمه  
 آن این است که بفرماید کانی بدینکم این بین شما یوسته است بد  
 و در خون خود و مت پائیزند پس از آن بر میگردد اند بوی شما آن بر  
 مردی از اهل البیت که بر سالی دو یا سه عطا می دهد و در هر ماهی دو تن  
 رزق بشما عطا می فرماید و در زمان ظهور و حکمت و دشمنی شما نازل شود  
 چند انکرذن در خانه خود و بکتاب خداوند در روش و سنت فرستاده  
 او حکم مینماید . و ماخذ جمیع این احادیث صحیح و اخبار وارده در سوت  
 از راه علوم و معارف آیه مبارکه و اشرق الارض بنور ربها  
 است که در سوره مبارکه افراس غر غر زول یافته است و تشریح در نیک  
 در یوم منتهی که معبر است بایام اله (روی زمین از نور حضرت رب  
 العالمین روشن و مشرق گردد) و این نکته بر اهل نظر معلومت که ظهور  
 خداوند تبارک و تعالی روشن شدن روی زمین بصیفا و نواقیات  
 ظاهر نیست چه زبده خلقت بر مین و چهار ساعت روی ارض با نور

آفتاب ظاهر مشرق و منور شود اختصاص بיום موعود ندارد  
 بل مقصود نور مشرق ساطع از شمس حقیقت یعنی مظهر امر حضرت رب  
 العزّة است و آن نور علم و ضیاء معرفت و تطوع پر تو عدل و عدل  
 و لمعان فنون و دشواری مدنیّت و انانیت حقیقیه غیر مشوبه بظلمت  
 جهالت و دنائت است که جز از سایر الوهیت نازل نشود و جز از مظهر  
 الله ساطع نگردد و غیر این اشعه مبارکه عالم را از ظلمات جهت مصیبت  
 قتل و غارت و زوال توخت و شرارت نراند غلام حضرت فرما اکنون  
 تقریباً از یوم ظهور فقط االی الی یوم اشرق آفتاب جمال قدس ابعی  
 الی یوم مبارک تجلی شمس عهد و اشراق میثاق سنی استی هفتاد است  
 که قلم الهی متحرکت و مظار تعلیمات ربانیه باطل و منمهر و این و این  
 که این آثار مبارکه اسطار سماویّه است که موجب نصرت و طراوت عالم است  
 گردد و موجب سرسبزی زهور و ریاحین فضائل و مناقب اعدیت شود  
 بطون مخروفته آیات کت مقدسه از آن ضاع هر آید و صدق ظواهر آیات  
 فرقانی که جعل اهل علم موجب شکوک عامه گشته بود و ظاهر و هویدا گردد  
 آداب حسنه تائیس باید و توین عا و له موسس شود عقائد باطله موهوم  
 خمرقه زوال گیرد و بجای آن عقائد صحیح منطبقه علی عقل اصحیح و الذوق  
 بسیم ثبوت و رسوخ یابد و خلاصه القول جهان از مشرق تا مغرب طرا  
 جدید جوید و عالم معارف تمام کره ارض را احاطه نماید روان سید شاد باد کرد

بیارب جهات امکان بریز خرمی باد زین نشاء مقدس زین نفوس معنی  
 و اگر اهل نظرند و آثار نازل از قلم قدیم در این هفتاد سال تدبیر فرمایند که  
 مانند اوراق شکوفه و از بار در فصل بهار از جنوب نسیم می رود که از قطب  
 مشرق و از حد قیاس و موازیه با آثار سایر انبیاء علیهم السلام غیر مستعمل  
 فقط در خطبه و الواح واجوبه و محاضرات حضرت مولی العالمین در این مساجد  
 باقطار و اسطوار و پادامه یکجا که در مجامع و محافل و کناس و مدارس و محکم  
 در جای کار فلاسفه و حکما و قیوس در عمار از قلم و نسان اقدس سمت  
 نزول و ظهور یافت تدبر کنند و با آثار سلف قیاس نمایند نه فرق قیاس  
 دو حرف و بیت و پنج حرف ظاهر شود و یا قیاس واحد بسبعین واضح گردد  
 بل فرق قیاسین تقاطر و از خیف نازل و بطول انظار و ابل جلوه نماید  
 و یا تعادلت قیاسین تراوش سر چشمه کوچک و تنوع و همچنان بحر مسلم  
 ز خا در انظار و ابصار تجسلی فریاد چنانکه نماند ای که این سفر مبارک تقریباً  
 دو سال ریاده است از نیافت جملات حدیث از بیانات مبارکه بالسنه  
 فارسیه و عربیه و انگلیسیه و فرسویه منتشر و مطبوع گشته است و در جمیع  
 ممالک شایع و ذایع شده است و این بیانات قدسیه نه بتفکر و رویه و باهر  
 و تعمق ظاهر میشد با شاد کلامی فی کل الاحوال برسبیل هدایت و ارجح  
 فوریت و قدرت و استعجال نازل میگشت زیرا زارین و اعدین مجال و  
 وقت فراغت و استراحت و تفکر و تعمق در مسائل برای وجود اقدس تبار

میکنند شدند و در هر صحن چهار ایران و هند و یا سایر بلاد فرنگستان  
 و امریکا نفوس محترم و عیدیه از مالک بعهده وارد میشوند در جای شرف  
 نشین میسند و در علم و ادب و طبع امرای هم البته مانع بود که آنرا محروم  
 فرمایند و تغلل و تاهل بگذرانند این چون که صبح و نه ظهر و نه عصر و نه شب  
 مجال راحت برای وجودی غل نجف آن نظر بر رفت رحمت باقی میماند تا وقت  
 تفکر یابند و فرصت تعمق و تدبیر بجویند و هر یک از بزرگان هم که مشرف  
 میشوند و یا در جمیع طالبان و خطای میگذشتند از مسائل فاضله لاهوتیه  
 و یا معضلات مطالبه فلسفه و یا در قانی کیفیت رفع محاسبات جامع  
 سوال میسند و جواب میسند و غالب آنرا سرشار و مستبشر رحمت  
 مینمودند و اقل قلیلی که عاده مذعن نمیشدند ساکت و مقهور و غیر قادر  
 بر رد و ایراد مشهور میگذشتند و اکثری که مذعن و مستبشر رحمت میسند  
 شرح مشهورات خود در مجلات علیه و یا جرائد مهمه با رسم و شامل و تاریخ  
 ایام حیات اقدس مطبوع و منتشر میداشتند و معنی آیه کریمه **وَيُؤْتِعِبْتُمْ**  
**فِي كُلِّ أُمَّةٍ مِّنْهُمْ مِّنْ أَعْلَمِيهِمْ** را که در سوره مبارکه نحل بیان  
 شده است واضح و آشکار مینمودند **ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ**  
**وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ** این آثار ظاهره مشرفه ظهور اعظم ابھی است که  
 عرض شد و اثباتش برای هر کس سهل و آسانست **أَفَأَنْتُمْ بِلِقَائِ رَبِّكُمْ**  
**يَوْمَئِذٍ تَكْفُرُونَ** این آثار ظاهره مشرفه تفاوت آن نیز با آثار فلسفیه

ظهورات ماضیه کالشمس فی وسط السماء واضح و هویدا است زیرا آثار  
 ظاهره از طلوع شمس بدی مانند اثرات بارش از شمس با دو قسم است قسمی  
 آنست که عموم ما را آن را ادراک مینماید و قسم دیگر آنست که جز نفوس بالغه  
 از ادراک آن عاجزند. هتلا انوار فاضله از شمس سالها هر صبری میسند  
 و لکن تا اثرات خفیه آن را در بسط و نشر ذرات حبه در بطون موانع نشده و غیر ما  
 جز نفوس عالمه نیسند و اگر نماید کف لیل با آریایه مفاخر امرایه ایسند  
 میسند و لکن از ادراک تا اثر ظهور شان در عالم کون و تغییرات حاصله  
 در عوالم مادیه و نشر معارف اجزای آن عاجزند و از رویت آن قاصر  
 و این از جمله مسلمات فلاسفه است که ظهورات حضرت کلیم و مسیح و حضرت  
 خاتم الانبیا علیهم التحیه و ایشنا موجب تغییرات کلیه ممالک بل بره ارض  
 گردید و ظهورشان عالم را صوت جدیده بخشید و علوم مادیه را از دیوار  
 وسعت حاصل گردید **بَلَدًا**

و چون بر این مقدره دقیقه که ناچار با اختصار عرض شد اطلاع حاصل فرمود  
 معروض میدارم که از آغاز تاسیس بشریت الی و در و دیوم ابد و ظهور  
 الاعظم لازال معارف و علوم مادیه که راجع بعمار عام جسمانی است اقبیل  
 علوم فلسفیه و ریاضیه و ادبیه و غیرها و فروع آن از صنایع و فنون و مهن  
 در قوم مخصوص و مملکت مخصوصه محصور بود و سایر از آن بی بهره بودند و در  
 حالات جبل و استبعاد زندگی مینمودند. هتلا وقتی ممالک هند که مصعب

دیانت برهمنه است مشرق انوار علوم و فضائل و مرکز نشانی  
 فنون و صنایع بود و اسنہ اروپیه از لسان سنسکرت کی یکی از  
 شعب لسان آری است تو لک نمود و مدینت از آن قوم بر بنامیان  
 سرایت فرمود و سایر قطعات عالم از قطعات اروپا و آسیا و  
 افریقیا و غیر ماکنام و سا قضا مقام بودند و در حالت جهالت  
 و جهیت زندگی می نمودند و زمانی ممالک وادی انیسل مرکز  
 جلیل علوم و معارف بود و مشکر فنون و صنایع مصر در اهل  
 عالم میز بود و ندای صوت فراغته از کان سایر ممالک منتشر می نمود  
 و هنگامی کشور ایران و شمشاهی دولت عظیمه کیان در فنون علوم  
 و معارف نور بخش جهان بود و ابراهیم زردشت از این کشور سامی  
 قیام فرمود و سایر ممالک عالم در ظل عبودیت این دولت زندگانی  
 می نمودند و با اتباع آنان افتخار میکردند و بلکه وقتی است که  
 نامور بودند و اهل بابل و سینوا افاضه علم و فن می نمودند تا آنکه نوبت  
 یونان رسید و علوم و فنون فلاسفه آن ملک و قوچات اسکندر  
 کبیر ممالک عظیمه بلع گردیدند و از بزرگوار می یونان و بیری نگذشت  
 که نفعات وحی از ملک حجاز مطلع شد و مملکت عربیه و دیانت اسلامی  
 تاسیس یافت و اشعه علوم و معارف سعی خلفای شام و عراق و مصر و  
 اندلس نصف کره ارض را منور نمود و قوچات عرب ممالک و دول

عظیمه را خاضع و مطیع ساخت . از دولت سلام نیز قرون پنجمین  
 گذشت که اشعه علوم و فنون از فرنگستان سابع و آفتاب علم و  
 مدینت از مغرب طالع و از سایر ممالک با اکل متواری و غارب گشت  
 رایت قدرت و شوکت دول غربیه ارتفاع یافت و آیت مدینت با  
 باهر و قاهر شد و جل و استبعاد در سایر بلاد شیوع و عمومیت پذیرفت  
 بکذا حضرت الامور فیها مضی من الدهور و بالجلد این حال انحصار علوم  
 بود و در احتیاط ماضیه و دهور غایره که در غایت نقصا عرض شد آغاز  
 قرن نوراکرم و میعاد قدس اعظم که قرن طلوع آفتاب هدیه یونان  
 جمال قدس ابھی عزائم ال علی است ملاحظه فرما که چگونه نشر علوم عمومیت  
 یافته و رایات تقیم فنون بر کافه ممالک خافق گشته است بنویسند فقط  
 مهم قدیمه از قبیل هل هند و چین و ترک و تاتار و از غرب یونان و  
 و بلغار و امثالها با هتزاز آمده و در نشر و تقیم معارف بین قوم خود سامی  
 گشته اند بل ممالک همجیه و مهم و حشیه از قبیل عبید و سودان و بربرستان  
 و مجاهل افریک و امریک و امثالها همه بهوش آمده و در قیام مدارس و تاسیس  
 مجالس و نشر فضائل و بیست معارف قیام و اقدام نموده اند بنوعی که خانی  
 مبالغه میستون گفت که جمیع ساکنین کره ارض با وجود اختلافات منسج  
 ابجیات در لزوم نشر علوم متفق الرای و متحد الکلمه گشته اند و این از هم  
 بر همین طلوع شمس حقیقت است و تم دلائل و زوایا ملاحظه قیام ساخت

در این نکته در نبوات و اشارات کتب سماویة عتیقه سینہ وارد و نازل  
 گشته است. قتل کما لحظه فرما در صحیح دو از دهم سفر و انبیا نبی عم  
 که نور خا مشرور و دیوم شستی و قیام حال قدس ابھی و خلاصی آل  
 اسریل و ذریه هفت خلیل از ذلت کبری و مصاب عصی است بر حسب  
 عربیه مشکوٰۃ طبعه در دار معلوم کفر در سنه ۱۸۹۰ میلادیه پس از اشارت  
 قیام منظر امر الله در عدد چهارم آن میفرماید اما انت یا ذانیال فان  
 الکلام و اختم السفر الی وقت النهایة کثیرون یتصفونہ و  
 المعرفۃ لئذ ذاد و در عدد دوم آن میفرماید کثیرون یتظہرون و  
 یبیسون و یحصون اما الاشرار یفعلون شرأ و لا یفہم  
 احد الا شرار لکن الفاهون یفہمون یعنی اما تو ای دانیال کلام  
 پنهان کن و کتاب آما و دیوم شستی مهر کن و مختم فرما و قتی که بیست  
 از آن جستجو نمایند و تصحیح کند و معرفت و دانش بسیار گردد بسیار  
 پاک و زوی سفید و فاعص خواهند شد اما اشرار و بدکاران شرارت  
 اشتغال جویند و لذا از فهم و ادراک آن محروم گردند و لکن اهل فهم و دانش  
 بفهمند و ادراک آن فایز شوند انشائی و از این تمثیل اشارات در صحف  
 انبیا علیهم السلام بسیار است و لکن نظر بزرگوار است فال بانها و واجب اهم  
 هو اطاعتہ من حضرت مولی العالم از استیغای کلام درین مقام معذرت  
 میطلبم و رجای سماح میسئامیم

و خلاصتہ القول این است بعض معنای حدیث شریف و تمثیل عبارت  
 بیت دهفت حرف که این عبد جارت بعرض نمود و انطباق آن بر  
 تجاری مورد این ظهور معلوم داشت.

ولی یا حبیبی العزیز جای حیرت این است که با اینک بار آده الله و قضائه  
 مطلع شد نیز مشرق با زغ ساطع النور که ورود آیام الله بآن مضمون  
 در صحف سماویة مقرر و مکتور است افق میز ایران واقع شد و زلال علوم  
 و معارف سماویة که مورد حیات حقیقه و مصدر قوت و قدرت الهی است  
 از آن ارض مینو نشان جریان یافت هنوز اگر ابالی آن مملکت و ظلت  
 بعد واقف و قائمند و در مخازنه و هم و غفلت سرگردان و عطشان و با کم  
 یا آنکه خاتم انبیا علیه و آل اطیب لحنیة و انوار در موضع عیدہ اهل  
 اسلام را خاطر نشان فرموده اند که مطلع انوار علم و دین و ایمان و خیر  
 الزمان کشور ایران خواهد بود و آفتاب مرجمید و زندگی جاوید ازین  
 افق غیر طلوع خواهد فرمود و این نکته در احادیث صحیح که در تفسیر آیات  
 کریمه قرآن مجید در کتب معتبره اهل تشیع و اهل تسنن وارد شده مضمون  
 مصرحت و سخن بزرگوار است مبارک من دون ترجمه این مقال را بانجا  
 میرم و از تطویل و تقصیل معذرت میطلبم

اما احادیث آمده اهل بیت علیهم السلام در تفسیر صافی از مجمع بیست  
 طبری قدس سره روایت میفرماید لما نزلت فی سورة النساء

ان يشايد هبكم ذيات باخرين ضرب النبي يده على  
 ظهر سلمان وقال لهم قوم هذا واين حديث راباقت در ترجم  
 لفظ فارس در كتاب خبزي خود محم بسدات نيز رويت نموده است  
 يعني سني و شيعي هر دو در رويت اين حديث اتفاق نموده اند و حديث  
 مشهوره در صحيح بخاري ماثور است كه كسي است از اهل علم كه آن رسيده  
 باشد حيث قال رسول الله لو كان في العلم في الدنيا لكانت لنا ولله يد  
 و رجال من فارس و در كتاب مصابيح السنه كه جامع احاديث صحاح  
 است در باب جامع المناقب بسند صحيح وارد است ان مرويه  
 الله عليه و آله و سلم تلا هذه الآية من سورة محمد ان تتولوا  
 يستبدل قوما غيركم ثم لا يكونوا امثالكم فالوايا و سوا الله  
 من هؤلاء الذين ان تولينا استبدلوا بنا ثم لا يكونوا امثالنا  
 ف ضرب علي فخذ سلمان بفارسى ثم قال هذا و قومه و  
 لو كان الدين عندنا لثا و له رجال من الفرس و قال  
 صاحب مصابيح السنه في هذا الباب ايضا منذ الى را و  
 الخبر انه قال كما جلوسا عند النبي صلى الله عليه و سلم انه  
 نزلت سورة الجمعة فلما نزلت هذه الآية و اخبرين منهم لما  
 يلحقوا بهم قالوا من هؤلاء يا رسول الله فوضع النبي يده على  
 سلمان ثم قال لو كان الايمان بالثريا لنا لرجال من

هو لا النبي در اين مقام كلام را با نجام مسيريم و بدار شدن  
 ايرانيان را از اين كايوس شصيل از ميشگاه حضرت رب عجل مرات  
 ميسنايم . در كرم يوم ۱۹ شهر رمضان المبارك ۱۳۳۱ هجره در صوا  
 بزم مدينه مكه زيه ابو الفضل نسيمي مؤيد

هو - نذر مناجات - الالبغى

اى پروردگار اين بچاى كه ان شيفه روى تواند داشت و كوى تو  
 و سرست جام هوى تو و عاشقان خوى تو در جرات كريان در بين  
 در حرمان ز بهر فراق چشيدند شب روز كريان تواند در داوشت  
 بسوى تو جز تو ندانند و غير از تو نشناسند و جز بسوى تو نمانند تولى  
 بجا و پنا هشان و تولى مبد و نعمتشان اگر برانى و يا بخوانى و پندير  
 و يا آبروى بندگان بربرى بزرگوار كنى و يا شرمسار فرمايى تولى محاسن  
 تولى پروردگار تولى آمرزگار اگر بسندى برستند از جند كرد و  
 برانى بزرگوار خوار شود و هر كلى خار گردد و بر سر روى خاک رگزار پس  
 اى آمرزگار اين بندگان باخوار و كار اين افتادگان را بساز شمعى تولى  
 روشن كن و شهاب ثاقب بجزا هر من ما تا نور خودانيت برافروزد و پرده  
 ظلمات شبها ت بسوزد تولى قادر و ميسنا و حى و توانا و داننده و شنوا  
 راز درون ابراز نما خارزار و دهار كلشن و كلكر كن روى رافوتى بخش  
 و بان و وجدان ابشارت و نشانه صبوحى عنایت فرمايى ع (كبر سنه)

شرح طه و  
تلمست جبر علی بن  
نابا مزید و بیفت علی بن  
ربیع بن جابر و  
ابو الفضل علی بن